

## جایگاه تاریخی کلیله و دمنه در فرهنگ و تمدن شرقی

دکتر سیدفرج الله موسوی<sup>۱</sup>

### چکیده

کلیله و دمنه از جنبه‌های مختلف در تاریخ تمدن هند، ایران و جوامع اسلامی اهمیت داشته است. این کتاب به خوبی نگرش به انسان و اجتماع را در جامعه‌ی سنتی (پیش از عصر بیداری) منعکس می‌کند. این کتاب به علت امتزاج با فرهنگ‌های مختلف شرقی از لایه‌های متعدد برخوردار است؛ به طوری که دست کم، نقش سه تمدن بزرگ شرقی - هند، ایران و عرب - در آن قابل مشاهده و بررسی است. بیشتر داستان‌های کلیله و دمنه تمثیلی و به زبان حیوانات است. احتمالاً دلیل عمده‌ی استفاده از شخصیت‌های حیوانی، محتوای سیاسی آن است. این شخصیت‌ها نویسنده را قادر ساخته، مسائلی را بیان کند که طرح آن در قالب شخصیت‌های انسانی، مشکلاتی ایجاد می‌کرد. کلیله و دمنه به دلیل ویژگی‌های منحصر به فرد داستانی - تعلیمی، نه تنها در ادبیات ایران، بلکه در تاریخ ادبیات جهان از شهرت و اعتبار خاصی برخوردار است. این کتاب برآیند تبادلات فرهنگی میان تمدن‌های بزرگ شرق (هند، ایران و اسلام) است. این مقاله می‌کوشد با ارائه‌ی شواهد مختلف، ضمن بازنمایی خردورزی، پایبندی به صفات نیک اخلاقی، مبارزه با رذایل اخلاقی و پندهای حکیمانه‌ی مندرج در متن، با واکاوی شخصیت‌های داستانی کتاب، به تأثیر محتوایی مؤلف بر آثار سایر نویسندگان از فرهنگ‌ها و ملل مختلف پردازد و در حد امکان علل و نتایج چالش‌های اخلاقی متن را بررسی کند.

<sup>۱</sup> گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

## واژگان کلیدی: کلیله و دمنه، برزویه‌ی حکیم، ابن مقفع، ابوالمعالی نصرالله منشی

### مقدمه

از جمله منت‌هایی که هند بر فرهنگ و تمدن جهان دارد، کتاب گرانقدر کلیله و دمنه است. بنابر روایتی، در روزگار قدیم، در کوه‌های هند گیاهی دارویی را سراغ داده بودند که مرده بدان زنده می‌شد و بعد معلوم گشت «از کوهها علما را خواسته‌اند و از داروها سخن ایشان را و از مردگان جاهلان را...، و این سخنان را مجموعی است که آن را کلیله و دمنه خوانند (مینوی، ۱۳۴۳: ۱۹-۱۸).

منبع اصلی این کتاب، دو اثر مهم است به زبان سنسکریت: در درجه‌ی اول پنجه‌تنتره به معنای پنج کتاب یا پنج پند که در اصل رساله‌ی کوچکی به نام «نیتی چاسترا» است. چاسترا به معنی کتاب، و نیتی به معنی روش خردمندانه‌ی زندگی کردن است؛ و منبع دوم تا حدودی منظومه‌ی حماسی مهابهاراته<sup>۱</sup> البته با تصرفاتی که توسط ایرانیان در آن‌ها صورت گرفته است. اما آنچه در آن آشکار است، دانش و حکمت عملی است و طرز زندگی و کشورداری. به همین سبب، کتابی ارزشمند و خواندن آن مخصوص شاهان بود و اگر کسی از سرداران آن را می‌خواند، احتمال می‌دادند که از جانب او خطری متوجه حکومت شود. چنان‌که «به خسرو پرویز خبر دادند که بهرام چوبینه سرکرده سرکش و یاغی در هنگام تنهایی کلیله و دمنه می‌خواند». به روایت فردوسی، خسرو فرمود اکنون کار درازی با او در پیش خواهیم داشت (مینوی، ۱۳۴۳: ۷۳۵). شاید خلاصه‌ای هم که مأمون، خلیفه عباسی از کلیله و دمنه فراهم آورده بود و نسخه‌ی آن باقی است (مینوی، ۱۳۲۶: ۲۹). از این نظر گاه بوده است. «هیچ کتابی را سراغ نداریم که مانند این کتاب مستطاب در طول قرون و در نزد ملل مختلف تا این اندازه دوام آورده و مونس ملوک و

۱. مهابهاراتا (Mahabharata)، منظومه‌ی عظیم حماسی هندی به زبان سنسکریت است که در هجده کتاب توسط «ویاسا» تدوین شده است. این منظومه در یک زمان و توسط یک شاعر سروده نشده، بلکه قریب به صد شاعر در سرایش آن نقش داشته‌اند. از این رو تاریخ تألیف آن را بعضی از ۲۰۰۱ پیش از میلاد تا ۲۰۰ میلادی نوشته‌اند. داستان اصلی کتاب درباره‌ی

نبرد دو خانواده به نام «پاندوان» و «کورواها» است (ر.ک: پنجا کیانه، ۱۳۶۳: ۴۱۴؛ جلالی نائینی، ۱۳۷۵؛ شایگان، ۱۳۷۵).

انیس و سرمشق اخلاق و راهنمای زندگی قرار گرفته باشد» (بهار، ۱۳۲۱: ۲۵۳). ترجمه‌ی فارسی ابوالمعالی نصرالله، به قول محمد عوفی، بسیار مشهور و مطلوب بوده، چندان که «از منشآت پارسیان هیچ تألیف آن اقبال ندیده است و آن قبول نیافته» (نفیسی، ۱۳۳۵: ۸۷). این کتاب پرمغز و بی نظیر که «متضمن روش خردمندانه زندگی» و درس تدبیر و حکمت بوده و «به قصد بیدار ساختن وجدان جوانان در جهان سیر کرده است» (محبوب، ۱۳۴۹: ۲۳-۱۹)، قدرش مجهول مانده است و کمتر ارزش آن را شناخته‌ایم. نفوذ کتاب کلیله و دمنه در ادبیات جهان الهام بخش بسیاری از شاعران و نویسندگان مغرب زمین بوده به نحوی که شباهت قصه‌های کلیله و دمنه با فابل<sup>۱</sup>‌های فرنگی و یا تأثیر ترجمه‌ی آلمانی «تئودوربنفی» از پنجه تنتره، که موجد ادبیات تطبیقی در جهان شده است، انکار ناپذیر است.

### تحولات کلیله و دمنه در ژرفنای زمان

افسانه‌های کلیله و دمنه را برهمنی به نام بیدپای<sup>۲</sup> (پنجا تنترا، ۱۳۸۵: ۱۰) به اشاره‌ی رای هند دابشلیم، برای او روایت کرده است. در حقیقت پیوند این قصه‌ها با یکدیگر همین وحدت راوی و مخاطب اوست و بس. بنابراین کلیله و دمنه به روابط قدرت میان حکومت (پادشاه هند= رای) و دین (برهمن) می‌پردازد (یعقوبی، ۱۳۹۰: ۹۸)؛ روابطی که در معنای عام خود، اندیشه‌ی سیاسی نامیده می‌شود. قصه‌ها در هم بافته است و این خود یکی از اختصاصات داستان‌های قدیم هندی است.<sup>۳</sup> (همان: ۴) به علاوه «گویا در اصل، پنجه تنتره دارای شعر و نثر بوده است»<sup>۴</sup> (همان: ۸)؛ و از تصادف روزگار، رواج آرایش‌های کلام در نثر فارسی قرن ششم هجری موجب شده که ابوالمعالی نصرالله نیز

۱. فابل fable از ریشه لاتین fabula، شامل داستان ساده و کوتاهی که معمولاً شخصیت‌های آن حیوانات هستند. این داستان‌ها حکمت مبتنی بر حکایت اخلاقی است. برای اطلاع بیشتر، ر. ک: آریانپور، ۱۳۸۶: ۳۵۸؛ تقوی، ۱۳۸۶: ۹۲.

انشای خود را در ترجمه این کتاب به شعر بیاراید. اساس ترجمه او به فارسی، کلیله و دمنه ابن مقفع<sup>۱</sup> بوده و این کار در حدود سال‌های ۵۳۸ تا ۵۴۰ هـ.ق انجام پذیرفته است. تردید نیست که افسانه‌ها و اندیشه‌های اصلی و آنچه به جوهر و استخوان‌بندی کتاب مربوط است، ناشی از منابع نخستین اثر و ثمره فکر و تخیل کسانی است که، آن را قرن‌ها پیش از نصرالله به کار برده و «آن را به آیات و اخبار و ابیات و امثال موکد گردانیده» و به تعبیر خودش از این «زبده چند هزار ساله» احیائی کرده‌اند.

به قول مرحوم استاد یوسفی: جهان کلیله و دمنه، عالم تمثیل‌هاست و هر پاره‌ای از آن نمودار نکته‌ای و پندی و هر یک از جانوران در قصه‌ها، در خور توجه است و هر عمل و رفتار و گفتاری گوشه‌ای از زندگی را در آن اعصار نشان می‌دهد. از این رو اگر گفته شود کلیله و دمنه از جهتی حالتی مجازی و استعاری داشته سخنی ناروا نیست. این کیفیت در دیگر افسانه‌های هندی نیز بوده است.

### فلسفه وجودی ترجمه‌های کلیله و دمنه

کلیله و دمنه به دلیل ویژگی‌های منحصر به فرد داستانی - تعلیمی، نه تنها در ادبیات ایران، بلکه در ادبیات جهان از شهرت و اعتبار خاصی برخوردار است. این کتاب برآیند تبادلات فرهنگی میان تمدن‌های هند، ایران و اسلام است. درون مایه اصلی آن بیشتر مفاهیم اخلاقی و سیاسی است. از این رو فلسفه و وجودی ترجمه‌های موجود تحت تایید مقاهیم اخلاقی و سیاسی این کتاب بوده است.

همان گونه که بدان اشارت رفت، اولین ترجمه از متن سانسکریت به پهلوی توسط برزویه حکیم انجام یافت. ترجمه برزویه حکیم در عصر سامانی حاوی تزریق اندیشه سیاسی تفکر ایرانشهری شامل: شاه آرمانی، فره ایزدی و توامانی دین و ملک، نفی ستم و عدالت خواهی به این کتاب بود (طباطبایی، ۱۳۷۷: ۴۱؛ قادری، ۱۳۸۵: ۱۲۸؛ ظهیری ناد،

<sup>۱</sup> در خصوص زندگی روزبه پسر دادبه (۱۴۲-۱۰۶ ق.) که بعد از تشرف به اسلام عبدالله بن مقفع نامیده شد. ر.ک: ابن

۱۳۸۹: ۷۷). ترجمه‌ی کلیده و دمنه از پهلوی به عربی توسط ابن مقفع، فضای جدیدی در این کتاب گشود. ابن مقفع با تأسی به نهج البلاغه، بر غنای این اثر افزود (سبزیان پور، ۱۳۹۰: ۹۳). رودکی، بنا بر دستور نصر بن احمد سامانی (۳۳۱-۳۰۱ ق) کلیده و دمنه را به نظم کشید. وی بعد از اتمام منظومه‌ی کلیده و دمنه، از نصر بن احمد ۴۰۰۰۰ درهم صله گرفت؛ اما متأسفانه این منظومه از میان رفت و فقط ابیاتی چند از آن باقی ماند (ثعالبی، ۱۳۷۲: ۳۶۱؛ منشی، ۱۳۷۷: ۲۳؛ دولت‌شاه، ۱۳۳۷: ۳۷؛ قزوینی، ۱۳۳۲: ۳۳؛ رضازاده‌ی شفق، ۱۳۵۲: ۱۳۸-۱۳۷).

از این رو نمی‌توان در خصوص فرمایشی بودن این اثر منظوم اظهار نظر کرد. اما با نگاهی به ترجمه‌های ابن مقفع و نصرالله منشی، می‌توان چنین دریافت که این ترجمه‌ها کلیده و دمنه را به اندرزنامه‌ای بی‌مانند تبدیل کرده است. زیرا برخلاف سایر اندرزنامه‌ها، به جای امر و نهی، با ذکر داستان‌هایی با شخصیت‌های حیوانی متن روایت را بسیار جذاب کرده‌اند. نصرالله منشی بر این باور است که پس از ترجمه ابن مقفع و منظومه‌ی رودکی، ترجمه‌های متفاوتی از این کتاب شده است (منشی، ۱۳۷۴: ۲۴). نصرالله منشی، بنابر اهمیت کتاب و دستور بهرامشاه غزنوی (۵۴۷-۵۱۲ ق.) به ترجمه‌ی کلیده و دمنه پرداخت (همان: ۲۷-۲۵).

### ارزش کلیده و دمنه

عرب‌ها چنان مفتون و شیفته‌ی فرهنگ ایرانی شدند که مأمون فرزندان خود را به آموختن عهد اردشیر و کلیده دستور داد (تفضلی، ۱۳۸۳: ۲۱۸). ابن ندیم عنوانی دارد به صورت «الکُتُبُ الْمُجْمَعُ عَلَی جَوَدِهَا»: «کتاب‌هایی که همگی بر خوبی آن‌ها متفق‌اند، در ذیل این عنوان کتاب‌های کلیده، عهد اردشیر و یتیمه دیده می‌شود» (ابن ندیم، ۱۴۱۷: ۱۵۸). اقبال مردم به کتاب کلیده به حدی رسید که برخی صاحب‌نظران عرب، مانند یمنی، برای مقابله با کلیده آستین بالا زدند، چنان‌که از مقدمه‌ی کتاب مضاهاه‌أمثال کتاب کلیده و دمنه بر می‌آید، انگیزه، نویسنده، مبارزه با کتاب کلیده بوده؛ زیرا به اعتقاد او،

مردم به جای خواندن قرآن و حکمت عرب، به کلیله رو آورده‌اند (الیمنی، بی تا: ۲)، نصر الله منشی در ابتدای کلیله نوشته است: «این مجموع تا زبان پارسی میان مردمان متداولست به هیچ تأویل مهجور نگردد». همچنین، او کلیله و دمنه را پس از کتاب‌های دینی، پرفایده می‌داند: «... رغبت در مطالعت آن زیادت گشت که پس از کتب شرعی در مدت عمر عالم از آن پرفایده تر کتابی نکرده‌اند» (منشی، ۱۳۷۴: ۱۸).

### داستانهای کلیله و دمنه

در باب «شیر و گاو»، شیر مظهر نیرومندی بوده و در اطراف وی برای جلب توجه و محبت او، ناگزیر رقابت‌هایی گمان می‌رفته است. این گونه تلاش‌ها به خصوص وقتی با زبان چرب و نرم دمنه صورت می‌گیرد، شیر را متقاعد می‌کند و حرف پذیر. هر قدر دمنه فریبکار است و پر آرزو، کلیله خردمند است و عاقبت نگر. اما شنبه موجودی است ساده دل و زودباور؛ از این رو نخستین کسی است که از پا در می‌آید. پلنگ و مادر شیر در طرفی دیگر قرار دارند و به ویژه دومی می‌کوشد که خائن به کیفر برسد (منشی، ۱۳۸۵: ۱۴۸-۱۳۹). آید پرسش از دمنه و «مجمع خاص و محفل عام» (همان: ۱۴۴) آن و استفسار از شهود نمی‌تواند کیفیت این گونه داوری‌ها را در روزگاران قدیم به دست دهد؛ و چاره‌گری‌های متهمی فصیح را در فریفتن قاضی و حاضران. گویا باب «باز جست کار دمنه» (همان: ۱۵۳-۱۲۹) را ابن مقفع به کتاب افزوده است تا خائن بی مجازات نماند. گرچه عقوبت ندیدن دمنه هم ناممکن نمی‌نمود. جای دیگر زاغ و گرگ و شغال توطئه می‌کنند و شتر را که معاشرشان است، طعمه‌ی شیر می‌سازند تا خود نیز به لقمه ای برسند. شگفت نیست که دمدمه ایشان در شیر اثر می‌کند و عهد امان خود را با شتر می‌شکنند، خاصه وقتی که گرسنه مانده و پای جان در میان بوده است (همان: ۱۱۰-۱۰۶). نظیر آن است قصه‌ی خری ساده لوح که به افسون روباه مکار فریب می‌خورد و شکار شیر می‌شود. یا باب «شیر و شغال» که امانت و خویشتن‌داری و بی‌گناهی شغال نمی‌تواند او را از شر بدخواهان در امان دارد و با همه‌ی اعتماد شیر به او، بر اثر بداندیشی دیگران، از نظر

می افتد و خورش مباح می شود، تا سرانجام به سعی مادر شیر بی گناهی وی مسلم می گردد! در همه‌ی این موارد، تزویر گران می کوشیدند به سود خویش بهره‌ای ببرند (همان: ۲۵۹-۲۵۳).

در قصه‌ی «بوزینه و درودگر»، بوزینه حیوان مقلدی است خام و نادان، از این رو بر سر تقلید ناروا جانش را از دست می دهد و مثل می شود (همان: ۷۰-۶۲) که «دروگری کار بوزینه نیست» (همان: ۶۲)؛ نظیر زاعی که خواست راه رفتن کبکی را بیاموزد، «رفتار خویش نیز فراموش کرد» یا مسافری که از میزبان خود خواهش کرد به او نیز زبان عبری بیاموزد و رنج بی حاصل برد و توفیق نیافت.

قصه‌ی «سه ماهی و صیادان»، در حقیقت آدمیان را در برابر مصائب طبقه‌بندی کرده است: به سه گروه (همان: ۹۲-۹۱)، و به تعبیر مولوی: عاقل، نیم عاقل و ابله. دو ماهی اول به نوعی جان خود را نجات می دهند و سومی گرفتار می شود (همان: ۹۷-۹۲). در قطعه‌ای دیگر، باخه با همه‌ی تأکید دوستان خود، یعنی دو بطی که او را با چوبی به هوا برداشته بودند، در برابر سخنان مردم دندان از چوب بر می گیرد و به جواب گفتن دهان می گشاید و فرو می افتد. وی نظیر مردم ناخویشتن داری است که نمی توانند لحظه‌ای دم فرو بندند، حتی وقتی که ممکن است جان خود را بر باد دهند. جایی نیز روباه از آواز سهمناک کوفته شدن شاخه‌ی درخت بر طبل، طمع می‌بندد که گوشت و پوست طبل هم فراخور آن است و چون طبل را می‌درد آن را تهی می‌یابد (همان: ۱۱۶-۱۱۰). قصه، همچنان که مولوی دریافته (نیکسون، ۱۹۲۵: ۴۲۴)، هشدار می‌دهد که به افرادی که بیشتر به بانگ‌های بلند فریفته می‌شوند و از یاد می‌برند که «هر کجا جسم ضخیم تر و آواز آن هایل تر منفعت آن کمتر» (همان: ۲۱۳). در گرفتاری کبوتران و به دام افتادنشان به طمع دانه، نکته‌ای باریک نهفته است: اتحاد و نجات. وقتی کبوتران اضطراب می‌کنند و هر یک برای نجات خود می‌کوشد، مطوقه، سرکرده‌ی ایشان، می‌گوید: «جای مجادله نیست، چنانکه باید همگان استخلاص یاران را مهم‌تر از تخلص خود شناسند و حالی صواب آن باشد که جمله به طریق تعاون قوتی کنید تا دام از جای برگیریم که ره‌ایش

ما در آن است. کبوتران فرمان وی بکردند و دام برکنندند». داستان «بوم و زاغ» (منشی، ۱۳۸۵: ۲۰۱-۱۹۱)، تصویری تواند بود از دشمنی و ستیز دیرپای در میان ممالک و جوامع بشری بر سر احراز قدرت. چهره‌ی گربه‌ی روزه‌دار و فریبکاری و داوری او میان کبک انجیر و خرگوش، از نوع قیافه‌های حق به جانب و ریاکاری است که در بین مردمان کم نبوده است و اینک هم کم نیستند. سگی استخوان به دهان و حریص نیز، با دیدن عکس خویش در آب، از سر طمع دهان می‌گشاید که استخوان دیگری نیز برگیرد، اما آنچه را که خود دارد هم از دست می‌دهد؛ یا گرگی گرسنه و طمعکار، صیادی و آهوپی و خوکی را بی‌جان یافت و به قصد ذخیره کردن گوشت آن‌ها، از زه کمان صیاد شروع به خوردن کرد و با جستن گوشه‌های کمان و افتادن در گردنش، جان سپرد. پارسا مردی به گمان فروش سبویی پرشده و روغن، خیالات دور و دراز در سر می‌پرورد و سرانجام بر اثر تخیلات خویش، از سر غفلت عصایش را برسبو فرود می‌آورد و شهد و روغن می‌ریزد و همه‌ی خیالاتش ضایع می‌شود. این‌ها تمثیل‌هایی است از مردم آزمند و افزون طلب که همیشه فراوان بوده‌اند؛ و یا در ورای سرگذشت موش و استظهارش به هزار دیناری که در سوراخ دارد، و نیز جرئت و حسارتش در برابر زاهد، نکته‌ای باریک نهفته است که چگونه دارایی و ثروت- و به تعبیر امروزی، استقلال اقتصادی- به انسان قوت و دلیری و تهور می‌بخشد. پس از آن که سوراخ موش را می‌شکافند و هزار دینار را برمی‌دارند، زوال نیرو و خوار شدن وی در نظر دیگر موشان- که از آن پس از دستبردهای او بهره ور نمی‌شدند (همان: ۱۷۱-۱۷۰)- یادآور رفتار مردم است با کسانی که دیگر سودی از آنان عایدشان نمی‌شود و رسیدن به این حقیقت که مثل شده است: «من قل ماله هان علی اهل». داستان بورینه و باخه و مکر باخه ماده، نمونه‌ای است از مکرزنان که در این کتاب و در عالم حیات نیز نظایر فراوان دارد؛ یا قصه‌ی موشی که به صورت دختری درآمده بود و جز موشان را به شوهری برنگزید، تمثیلی از قبول ضرورت در هنگام احتیاج است (همان: ۲۵۳-۲۳۸).



کلیله و دمنه، سرشار از تمثیل‌ها و کنایه‌هایی است که در هریک دقایقی ظریف نهفته است و در حقیقت افسانه زمینه‌ای بوده است برای اشاره به آن نکته‌ها و نمایش گوشه‌هایی از طبیعت انسان و حیات او؛ همچنان که نویسنده در پایان هر باب بارها به این مقصود تصریح کرده است که: «خردمند باید در این حکایت به نور عقل تأملی کند» و بداند که «غرض از وضع این حکایات و مراد از بیان و ایراد این امثال چه بوده است» (همان: ۱۷۲).

در هر حال، این‌ها نمودار طرز فکر و دریافت پیشینیان در قرن‌های گذشته، درباره‌ی جنبه‌های گوناگون زندگی است که تجربه‌های خود را در افسانه‌های جانوران به یادگار نهاده‌اند.

### حکمت عملی

نصرالله منشی در خصوص حکمت عملی این اثر می‌نویسد: "از این کتاب ... ترجمه‌ها کرده‌اند... لیکن می‌نماید که مراد ایشان تقریر سمر و تحریر حکایت بوده است، نه تفهیم حکمت و موعظت (منشی، ۱۳۷۴: ۲۴). ترجمه‌ی وی باعث شد که کلیله و دمنه از موفق‌ترین فابل‌های نوشته‌شده‌ی حوزه‌ی حکمت عملی<sup>۱</sup> (به تعبیر پیشینیان) و به خصوص سیاست‌مدن - یعنی آیین‌کشورداری و طرز تدبیر امور - تبدیل شود. مگر نه این است که مطابق روایت پنجه‌تتره، ویشنوشرما برهمن دانشمند پنج حکایت معروف خود را برای تربیت شاهزادگان، یعنی سه پسر امرشکنی، پادشاه مهیلا روپیا، پرداخته است (پنچا تتره، ۱۳۸۵: ۳۳-۳۱) این تعلیمات درباره‌ی شیوه‌ی فرمانروایی، هم در خلال داستان‌ها مندرج است و هم به تصریح بیان شده است، و اصولاً برخی حکایات برای ذکر این مقصود می‌آید. در حقیقت، غور در مطالب کتاب، به جهان بینی خاصی رهنمون می‌شود مبنی بر خرد، دوران‌دیشی، دادپیشگی، تدبیر، زیرکی، چاره‌اندیشی و

۱. در یک تقسیم‌بندی کلاسیک، حکمت را به حکمت نظری و حکمت عملی تقسیم نموده‌اند. در این تقسیم، حکمت نظری را دانستن همه چیز آن چنان که هست (علم) دانسته‌اند و تهذیب

اخلاق و تدبیر منازل و سیاست مدن را نیز به عنوان یکی از اقسام حکمت عملی دانسته‌اند (طوسی، ۱۳۸۹: ۱۳).

معرفت فراوان به روحیات مردم و اصول ملک داری. تأکید بر فایده‌ی مشورت با خردمندان در امور مختلف، از ویژگی‌های منحصر به فردی است که تنها در امثال کليلة و دمنه یافت می‌شود. بدیهی است برای این مقصود، مردان شایسته و کاردان و نیک رای به کار می‌آیند و از وزیران ضعیف رای «ثبات ملک و صلاح رعیت طمع نباید داشت». از این رو «حاجت به کافیان ناصح که استحقاق محرمیت اسرار و استقلال تمشیت اعمال دارند و کسانی که به سداد و امانت و تقوی و دیانت متحرمنند» (منشی، ۱۳۷۴: ۲۷۰)، مسلم است و «تعرف حال خدمتکاران و شناخت اندازه کفایت هر یک» (همان: ۳۴۴) و دقت در انتخاب اشخاص و ارجام مهمات به ایشان و «هر یک را فراخور هنر و اهلیت و براندازه رای و شجاعت و به مقدار عقل و کفایت کاری فرمودن» (همان: ۲۷۰)، اهمیت پیدا می‌کند؛ و نیز توجه به پاکی اسلاف و خاندان ایشان، اگرچه «خاندان مرد خرد و دانش است و شرف او کوتاه دستی و پرهیزگاری» (همان: ۳۴۳) به علاوه، «بربدیهه بر کسی اعتماد نفرمودن» (همان: ۳۴۴) و خزاین اسرار مملکت را محفوظ داشتن و به ناآزمودگان نسپردن، از واجبات است.

### شجاعت و بردباری

از اثرات حلم و سخاوت و شجاعت نیز یاد می‌شود. در حقیقت، هر جا که از ضرورت حلم برای فرمانروایان سخن می‌رود، بیشتر مقصود حمایت از مردم و زیردستان است. این عفو و اغماض نیز به جای خود واجب شمرده می‌شود (همان: ۳۲۰)؛ اما در عین حال، بحث از «روان داشتن کارها میان خوف و رجا» است، تا «نه مخلصان نومید شوند و نه عاصیان دلیر گردند» (همان: ۳۱۹) و لزوم احراز قدرت و تکیه به نیروی شمشیر برای کشورداری، چه «تقدیم ابواب عدل و انصاف به ترازو و حساب و تنفیذ این معانی به شمشیر تواند بود».

از شرایط حسن حکومت و عیوب فرمانروایان غافل نیز مکرر یاد می‌شود. حتی در آداب رسالت و رسوم سفارت نکته‌هاست، از جمله «آداب رسالت و رسوم سفارت باید

سخن برحدت شمشیر رانده آید و از سر عزت ملک و نخوت پادشاهی گزارده شود، اما دریدن و دوختن درمیان باشد» (همان: ۱۸۸). از این رو، کلیله و دمنه را به حق باید کتاب «حسن تدبیر» شمرد، به معنی وسیع کلمه؛ شگفت آن که در بسیاری از باریک‌ترین و پیچیده‌ترین مسائل اجتماعی و حکومتی زمان قدیم، در خلال داستان‌هایی به ظاهر کودکانه، عرضه شده است. مگر نه آن که قرن‌ها بعد نیز سویفت، شاهکار معروف خویش، سفرنامه‌ی گالیور، را که هجونا‌مه‌ای ظریف و اجتماعی است، با توصیف سرزمین‌های افسانه‌ای به وجود آورد و گالیور، پس از سیر در دیار کوتوله‌ها و غول پیکران و محکومان به عمر ابد، سرانجام به زادبوم اسبان خردمند و فرزانه می‌رسد و از قیاس آن‌ها با انسان کم‌خرد، و عیوب و رذائل وی سخن می‌راند؟

کلیله و دمنه، تصویری است از جوامع بشری در گذشته، و نکات اجتماعی مهمی در بر دارد. برزویه‌ی طیب در شرح فراز و نشیب حیات خود و سرگشتگی‌هایش از چندگونگی ادیان و آرای مردم یاد می‌کند و این که «اختلافات میان ایشان در معرفت خالق و ابتدای خلق و انتهای کارها بی‌نهایت (بود)، و رای هر یک برای این مقرر که من مصیبت و خصم مخطی» (منشی، ۱۳۷۴: ۵۰)! هم او باز می‌نالد که «کارهای زمانه میل به ادبار دارد و افعال ستوده و اخلاق پسندیده مدروس گشته، عدل ناپیدا و جور ظاهر و دوستی‌ها ضعیف و عداوت‌ها قوی، و نیک مردان رنجور و مستأصل و شیران فارغ و محترمند» (همان: ۵۷).

در برخی از سخنان دمنه، راه و روش نزدیک شدن به صاحبان قدرت در آن اعصار نموده می‌شود، که عبارت بود از «همّت بر متابعت رای و هوای ایشان مقصور گرداندن و از تقبیح احوال و افعالشان پرهیز کردن» (همان: ۶۷). به قول مرحوم استاد یوسفی، در چشم جاه طلبان، مانند دمنه، کارهای دیوان نظیر، «بازرگانی دریا و مغالبت دشمن... رفعت همّت و قوت طبع» (همان: ۶۸) می‌طلبیده است؛ اما رقابت‌ها و توطئه‌های پنهان و آشکاری که در آن اعصار در حوزه‌ی قدرت‌ها وجود داشته و خطرهایی که برای نزدیکان متصور بوده، سبب می‌شده که در نظر کلیله، مصاحبت زیردستان، مثل «چشیدن زهر به گمان و به

سِرّ گفتن با زنان»، خطرناک نماید. به خصوص که جباران کم نبودند و به قول فنزه، «عقدۀ عهد ایشان سخت زود سست می شد، و همیشه رخسار وفای ایشان به چنگال جفا مجروح بود؛ نه اخلاص و مناصحت نزدیک ایشان محلی داشت و نه دالت خدمت و ذمام معرفت در دل ایشان وزنی می آورد» (همان: ۲۵۳). تمهیدی طولانی که بلار وزیر برای آماده و موافق ساختن خاطر هبلار ملکی از بلاد هند - و در گفتن سخنی به او می آورد، گوشه‌ای است از این مضایق دشوار (همان: ۳۱۶-۳۰۸).

باب بوم و زاغ، نمونه‌ای است از مسائل سیاسی میان دو قوم و دو مملکت در آن روزگاران. خاصه قسمتی از آن که مربوط می شود به چاره‌گری‌های وزیران دو طرف در چیره شدن بر خصم. سرانجام، جاسوسی اختیار می شود و مورد اعتماد حریف شدن و بر اسرارش دست یافتن و او را به هلاک افکندن (همان: ۲۱۵-۱۷۷). آنجا که می خوانیم «از عادات روزگار مالش اکابر و پرورش اراذل معهودست» (همان: ۳۰۳)، و یا در بابی دیگر که چرا «کریم عاقل و زیرک واقف بسته بند بال و خسته زخم عنا می باشد و لئیم غافل و ابله جاهل در ظل نعمت و پناه غبطت روزگار می گذارد» (همان: ۳۵۱)، حکایت می کند از نابسامانی اوضاع اجتماعی و درهم شکسته شدن معیار ارزش‌ها در آن ایام و حیرت‌ها و پرسش‌هایی که ذهن اندیشه‌وران را به خود مشغول می داشته است. در این کتاب حتی به معتقدات عامه که خود جزئی از احوال اجتماعی است، به مناسبت اشاره شده است؛ اشاراتی مختصر که اگر در کلیله و دمنه تأمل شود، نکات اجتماعی فراوانی در آن مذکور است، هر یک در خور دقت و اندیشیدن.

کلیله و دمنه در درجه‌ی اول از لحاظ معانی و افکاری که در آن درج شده، درخور توجه است. به خصوص که نصرالله منشی در ترجمه و تهذیب خویش از این کتاب، به «تقریر سمر و تحریر حکایت» (همان: ۲۴) اکتفا ننموده و به «تفهیم حکمت و موعظت» (همان جا) پرداخته و «در بسط سخن و کشف اشارات آن اشباعی» (همان: ۴۱) قائل شده است. از این رو، سراسر کتاب مملو از اندیشه‌ها و عبرت‌ها و جمله‌های کوتاه و پرمعنی

است که انشایی ابوالمعالی نصرالله آن‌ها را به زیبایی تمام آراسته و با تمثیل‌هایی دلپذیر، مجسم ساخته است. کلیله و دمنه به عنوان داستانی خواندنی قابل تأمل تواند بود.

### نتیجه‌گیری

قصه‌های این کتاب نمونه‌هایی است بارز از آن نوع ادبی که در زبان‌های فرنگی «فابل» خوانده می‌شود و بیشتر افسانه‌های جانوران است و گاه قصه‌ها و حکایات و مثل‌هایی دیگر، متضمن فواید اخلاقی.

یک نکته‌ی چشمگیر در کلیله و دمنه، تنوع و تعدد حیوانات و جانوران است؛ اما قهرمانان قصه‌ها به جانوران منحصر نمی‌شوند: انبوه جانوران مختلف و اشخاص واقعه، سراسر کتاب را از تنوعی دلپذیر و ملاحظتی خاص برخوردار کرده‌اند. از این رو، هر کس از کلیله و دمنه به نوعی بهره‌ای تواند یافت و آن را می‌پسندد. ابوالمعالی نصرالله با انشای جاندار خویش احوال اشخاص واقعه را، اعم از حیوان و انسان، به خوبی تجسم بخشیده است. اما توصیف و تجسم منظره‌ها و فضای داستان‌ها در یکایک این اثر چندان فراوان است که به ذکر نمونه و مثال نیازی نیست.

### کتابنامه

۱. آذرنوش، آذرتاش. ۱۳۷۰، "ابن مقفع"، ج ۴، تهران، دایرة المعارف بزرگ اسلامی.
۲. آریانیپور، عباس. ۱۳۸۶، **فرهنگ انگلیسی به فارسی**، تهران، امیر کبیر.
۳. ابن خلکان، ابوالعباس شمس‌الدین احمد. [بی تا]، **وفیات الاعیان**، حقه‌الدكتور احسان عباس، بیروت، دارصادر.
۴. ابن ندیم. ۱۴۱۷، **الفهرست**، المحقق ابراهیم رمضان، بیروت، دارالمعرفه.

۵. انزابی نژاد، رضا. ۱۳۸۴، "ابن مقفع" دانشنامه‌ی زبان و ادب

فارسی، ج ۱، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

۶. بهار، محمدتقی. ۱۳۲۱، **سبک شناسی**، ج ۲، تهران، وزارت

فرهنگ.

۷. **پنجا تتر** ۱. ۱۳۸۵، ترجمه ایندو شیکهر، تهران، دانشگاه تهران.

۸. **پنجا کیانه**، ۱۳۶۳، تصحیح جلالی نائینی و عابدی و تاراچند،

تهران، اقبال.

۹. تفضلی، احمد. ۱۳۸۳، **تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام**،

تهران، مهارت.

۱۰. تقوی، ۱۳۷۶، **حکایت‌های حیوانات در ادب فارسی**،

تهران، روزنه.

۱۱. ثعالبی، حسین بن محمد. ۱۳۷۲، **غره اخبار ملوک الفرس**

**و سیرهم**، ترجمه‌ی محمد روحانی، مشهد، دانشگاه فردوسی.

۱۲. جلالی نائینی، محمد رضا. ۱۳۷۵، **هند در یک نگاه**، تهران،

شیرازه.

۱۳. دوبلوا، فرانسوا. ۱۳۸۲، **برزوی‌هی طیب و منشا کیلیه و**

**دمنه**، ترجمه‌ی صادق سجادی، تهران طهوری.

۱۴. دولت‌شاه سمرقندی. ۱۳۳۷، **تذکره الشعرا**، به اهتمام محمد

عباسی، تهران، کتاب فروشی بارانی.

۱۵. رضا زاده‌ی شفق. ۱۳۵۲، **تاریخ ادبیات ایران**، شیراز،

دانشگاه شیراز.

۱۶. سبزیان پور، وحید. مرداد ۱۳۹۰، "تاثیر حکمت های نهج

البلاغه در ترجمه‌ی عربی کلیله و دمنه" فصلنامه‌ی نقد و

ادبیات تطبیقی، س ۱، ش ۱.

۱۷. شایگان، داریوش. ۱۳۷۵، **ادیان و مکتب های فلسفی**

هند، تهران، امیر کبیر.

۱۸. طباطبایی، جواد. ۱۳۷۷، **درآمدی فلسفی بر اندیشه**

سیاسی در ایران، تهران، کویر.

۱۹. طوسی، خواجه نصیرالدین. ۱۳۸۹، **اخلاق ناصری**، تهران،

فردوس.

۲۰. ظهیری ناد، بیزن. پاییز ۱۳۸۹، "سیر و تداوم اندیشه های ایران

شهری در کلیله و دمنه"، **پژوهش های زبان و ادب**

**فارسی**، دوره‌ی جدید، ش ۷.

۲۱. عوفی، محمد. ۱۳۳۵، **لباب الالباب**، تصحیح سعید نفیسی،

تهران، ابن سینا.

۲۲. قادری، حاتم. تابستان ۱۳۸۵، "اندیشه‌ی ایران شهری، مختصات

و مؤلفه های مفهومی"، **فصلنامه‌ی علوم انسانی دانشگاه**

**الزهرا**، س ۱، ش ۵۹.

۲۳. قزوینی، محمد. ۱۳۳۲، **بیست مقاله**، تهران، ابن سینا.

۲۴. محجوب، محمدجعفر. ۱۳۴۹، **درباره‌ی کلیله و دمنه**،

تهران، خوارزمی.

۲۵. منشی، نصرالله. ۱۳۷۴، **کلیله و دمنه**، به اهتمام محمد روشن،

تهران، اشرفی.

۲۶. \_\_\_\_\_، ۱۳۷۷، **کلیده و دمنه**، تصحیح مجتبی مینوی،

تهران، امیر کبیر.

۲۷. \_\_\_\_\_، ۱۳۸۵، **کلیده و دمنه**، تصحیح مجتبی مینوی،

تهران، امیر کبیر.

۲۸. \_\_\_\_\_، ۱۳۴۳، **کلیده و دمنه**، تصحیح مجتبی مینوی،

تهران، دانشگاه تهران.

۲۹. یعقوبی، پارسا. زمستان ۱۳۹۰، "ساختار روایی کلیده و دمنه بر

اساس گفتمان کاوی تعامل رای و برهن"، **ادب پژوهی**،

ش ۱۸.

۳۰. الیمنی، محمد بن حسین، [بی تا]، **مضاهاه امثال کلیده و**

**دمنه**، تحقیق محمد یوسف نجم، بیروت، دارالثقافه.